

## نقش زبان فارسی در پیدایش زبان‌های محلی اسلامی در چین

علی محمد سابقی

زبان فارسی و فرهنگ ایرانی - اسلامی در چین سابقه‌ای بسیار طولانی دارد. تجار و اندیشمندان ایرانی در اواخر دوران ساسانیان، و به ویژه پس از پذیرش اسلام به عنوان دین عامه مردم، روابط گسترده و همه‌جانبه‌ای با مردم و سرزمین چین داشتند و در کنار مبادلات تجاری به تبادل فکری و فرهنگی می‌پرداختند. با حضور و فعالیت گسترده مبلغین ایرانی آیین‌های بودایی، نسطوری، زرتشتی و مانوی و در نهایت اسلام در بخش‌های مختلفی از کشور چین، و همچنین مسافرت منظم کاروان‌های تجاری و بازرگانان ایرانی و اقامت طولانی مدت آنان در شهرها و باراندازهای مبادله کالاهای بازرگانی و بالاخره ازدواج و اقامت دائمی برخی از آنان در چین، و سپس تشکیل جوامع کوچک ایرانی و ایرانی زبان در شهرها و مناطقی که در مسیر جاده ابریشم قرار داشتند، کم‌کم زبان و ادبیات فارسی نیز به این کشور راه یافته و ماندگار شد. با گسترش تجارت بین شرق و غرب و فزونی رفت و آمدها بین مردم چین و ایران، تأثیر و نفوذ متقابلی بین زبان این دو کشور به وجود آمد و رفته رفته گسترش چشمگیری یافت. به ویژه تأثیر زبان فارسی بر زبان‌های ترکی اوغوری، مغولی، منچوری و تبتی بسیار عمیق بوده و واژه‌های زیادی از فارسی را در این زبان‌ها

می‌توان یافت.<sup>۱</sup> این زبان ابتدا به یکی از زبان‌های رسمی تجاری و پس از راه یافتن برخی از ایرانیان به دربار امپراتوران چینی و علی‌الخصوص در دوران حاکمیت مغولان، درکنار زبان‌های رسمی چینی و مغولی به صورت یکی از زبان‌های رسمی دربار درآمد.<sup>۲</sup> در آن دوران زبان فارسی زبان ادبی و دینی شرق جهان اسلام محسوب می‌شد، چراکه اکثریت مسلمانان مهاجر به شرق را ایرانیان تشکیل می‌دادند و می‌توان گفت که زبان فارسی پس از ورود اسلام به چین فرهنگ زبانی مردم مسلمان و علی‌الخصوص مسلمانان شمال غربی آن کشور شده بود.<sup>۳</sup>

پس از ورود اسلام به چین توسط ایرانیان و افزایش جمعیت مسلمانان در این کشور، زبان فارسی علاوه بر رواج در بازار و دربار امپراطور، در بین مسلمانان این کشور که اغلب یا اصالتاً ایرانی و یا ایرانی مقیم بوده و یا تحت آموزش و تربیت آنان بزرگ شده بودند نیز به عنوان زبان اول دینی و آموزشی و محاوره‌ای مطرح گردید. با گذشت زمان زبان و ادبیات فارسی در سه بخش بازار تجاری، دربار امپراتوری و جامعه مسلمانان چین چنان گسترش یافت که موجب شد در بخش تجارت و بازرگانی و گمرکات و ادارات مالیاتی، خط استیفی یا همان خط سیاق، که نوعی خط حساب و کتاب ایرانی است، متداول شود<sup>۴</sup> و در بین مسلمانان به ویژه در بخش آموزش و سیستم آموزش مسجیدی، اغلب متون درسی به زبان فارسی تألیف و تدریس شود<sup>۵</sup> و در دربار امپراتوری نیز برای تسهیل در روابط سیاسی بین دربار چین و پادشاهان ایرانی، موسسه رسمی آموزش زبان فارسی و تربیت مترجمین و دیپلمات‌های زبردست و مسلط به زبان فارسی به وجود آید.<sup>۶</sup>

آنچه از آثار برجای مانده از دوران‌های مختلف اسلامی بیش از همه توجه محققین و پژوهشگران علاقمند را به خود جلب می‌کند، گستردگی به کارگیری زبان فارسی در اسناد و

۱. امیری، کیومرث، زبان فارسی در جهان - چین ص ۱۵۷.
۲. لیو اینگ شنگ، تاریخ و نحوه شکل‌گیری خط نژاد هوی و سایر اقلیت‌های نژادی مسلمان شمال غرب چین / مجله در اسات قومیه هوی / شماره یک سال ۲۰۰۲.
۳. امیری، کیومرث / زبان فارسی در جهان - چین ص ۱۵۶.
۴. لیو اینگ شنگ، تاریخ و نحوه شکل‌گیری حفظ نژاد هوی و سایر اقلیت‌های نژادی مسلمان شمال غرب چین، مجله در اسات قومیه هوی، شماره یک سال ۲۰۰۲.
۵. ابراهیم فنگ جین یوان، الاسلام فی الصين، ص ۱۹۸ تا ۲۰۱.
۶. لیو اینگ شنگ، تاریخ و نحوه شکل‌گیری خط نژاد هوی و سایر اقلیت‌های نژادی مسلمان شمال غرب چین، مجله در اسات قومیه هوی، شماره یک سال ۲۰۰۲.

مدارک و کتاب‌های خطی و لوح‌ها و سنگ نوشته‌های اسلامی باقیمانده از دوران سلسله‌های مختلف امپراتوران چینی است. هادی العلوی یکی از نسخه شناسان معروف عرب که کتاب‌های خطی مسجد دونگ سه در پکن را مورد بررسی قرار داده، در این خصوص می‌گوید: زبان فارسی و آشنایی با این زبان بر کلیه کتاب‌های خطی عربی سایه انداخته است. در کتاب‌های خطی عربی، اغلب توضیحات و تفسیرهای ابتدا و انتهای کتاب به زبان فارسی است و علاوه بر آن، متن بسیاری از کتاب‌های خطی عربی به سبک فارسی است.<sup>۷</sup>

پروفسور لیواینگ شنگ استاد تاریخ دانشگاه نانجینگ، در مقاله‌ای تحت عنوان «تاریخ و نحوه شکل‌گیری خط ملت هوی و سایر اقلیت‌های نژادی مسلمان شمال غرب چین» می‌گوید: در دوران حاکمیت سلسله‌های تانگ، سونگ و یوان، اجداد قوم هوی (مسلمانان) بیشتر به زبان فارسی حرف می‌زدند و زبان فارسی در عین این که یک زبان خارجی بود، زبان اقلیت قوم هوی هم محسوب می‌شد. این امر قرن‌ها به همین وضع ادامه داشت، ولی پس از گذشت صدها سال به تدریج زبان چینی جایگزین زبان فارسی شد، اگرچه هم اکنون نیز تعداد زیادی از واژه‌های فارسی همچنان مورد استفاده قوم هوی می‌باشد که محافل اسلامی این واژه‌ها را «زبان مسجدی» می‌گویند.<sup>۸</sup>

شنگ در ادامه می‌افزاید: نیروهای چنگیز و فرزندان او، امپراتوری وسیع مغولی را تأسیس کردند. در این سرزمین پهناور زبان‌های مغولی، چینی و زبان هوی (زبان فارسی) زبان رسمی بودند... دولت یوان برای برقراری ارتباط بین مقامات مسلمان فارس زبان و مردم چین، در سازمانها و ادارات دولتی مترجم هوی (فارس زبان) استخدام می‌کرد، و لذا در سال ۱۲۸۹ میلادی برای تربیت مترجمین مورد نیاز، مدرسه آموزش زبان فارسی دولتی را دایر کرد. در این مدرسه نه تنها زبان فارسی تدریس می‌شد، بلکه زبان دیگری به نام استیفی که علایم نوشتاری خاصی برای کتابت اسناد رسمی دولتی است، هم تعلیم داده می‌شد.<sup>۹</sup>

پس از تأسیس دودمان مینگ، مدرسه آموزش زبان فارسی توسعه بیشتری یافت و در

۷. هادی العلوی، المخطوطات العربیه فی جامع بکین، ۱۹۷۸، ص ۴۷۵.

۸. لیواینگ شنگ، تاریخ و نحوه شکل‌گیری خط نژاد هوی و سایر اقلیت‌های نژادی مسلمان شمال غرب چین، مجله دراسات قومیه هوی، شماره یک سال ۲۰۰۲.

۹. همان.

آکادمی امپراتوری، موسسه‌ای به نام سی ای گوان (انستیتو آسیا) با هشت مدرسه زبان‌های خارجی شکل گرفت که عبارت بودند از زبان فارسی، تاتاری، نوزن، شی فان، شی تیان، بای ای، گائوچانگک و برمه‌ای.<sup>۱۰</sup>

در ابتدا مدرسین این زبان‌ها اغلب از کسانی انتخاب می‌شدند که زبانی که آموزش می‌دادند، زبان مادری آنها بود و زبان آموزان بیشتر چینی بودند، ولی به مرور زمان معلمین و دانشجویان همگی چینی شدند. این موسسه حتی پس از برکناری دودمان مینگ و روی کار آمدن سلسله چینگ و تا سال ۱۷۳۶ میلادی یعنی به مدت ۴۴۷ سال به فعالیت آموزشی و تربیت مترجمین همزمان و مترجم اسناد و مدارک دولتی به زبان فارسی خود ادامه داد.<sup>۱۱</sup>

«طبق نوشته‌های جهانگردانی همچون پادری اودوریک، مارکوپولو و ابن بطوطه، در دوران فعالیت راه ابریشم، زبان فارسی زبان بین‌المللی و بازرگانی در مناطق چینی راه ابریشم بوده و به دستور امپراتوران چینی، در چین قدیم مدرسه‌هایی برای تدریس زبان فارسی و تربیت کارمندان فارسی دان تأسیس شده بود که در اسناد تاریخی و رویدادهای چین به آن اشاره شده است.»<sup>۱۲</sup>

محصول این مدارس، به ویژه بخش مترجمین آن، تربیت افرادی مسلط به زبان و ادبیات فارسی بود که نه تنها مکاتبات شاهان و حکومت‌های مختلف فارس زبان ایرانی مستقر در هرات، سمرقند، اصفهان و... را برای امپراتور ترجمه می‌کردند. بلکه نامه‌های ارسالی از طرف امپراتور چین را هم به سه زبان فارسی، چینی و مغولی نگاشته و به دربار ایران ارسال می‌کردند.<sup>۱۳</sup>

عبدالرزاق سمرقندی در کتاب «مطلع السعدین» می‌گوید: «سه نامه همراه سفیران بود، یکی نامه امپراتور چین به شاهرخ، دیگری صورت تحفه‌ها و هدایا و سومی نقشه راه و هریک از این نامه‌ها به سه زبان بود. زبان و خط فارسی، زبان و خط ترکی مغولی و زبان و خط چینی.»<sup>۱۴</sup>

پروفسور لیواینگ شنگ نیز در این زمینه می‌گوید: «اینک در منابع چینی مسلم است که

۱۰. همان.

۱۱. همان.

۱۲. امیری، کیومرث، زبان فارسی در جهان - چین، ص ۱۵۵.

۱۳. همان.

۱۴. سمرقندی، عبدالرزاق، مطلع السعدین، صص ۲۲۰ و ۳۸۶ ذیل حوادث سال ۸۱۵.

نخستین نامه خاقان چین به دربار پاپ در اروپا به زبان فارسی بوده و گویا مارکو پولو نیز با استفاده از زبان فارسی می‌توانسته در تمام مناطق چین به راحتی با مقامات محلی ارتباط برقرار کند.<sup>۱۵</sup>

دستاورد دیگر مدرسه آموزش زبان فارسی آکادمی امپراتوری چین، تهیه و تألیف «لغتنامه مدرسه هوی هوی» بود که مورد استفاده اساتید، دانشجویان و مترجمین زبان فارسی قرار می‌گرفت. طبق اسناد و مدارک تاریخی برجای مانده از آن دوران، توسط اساتید و معلمین زبان موسسه سی ای گوان، مجموعاً ۱۳ فرهنگ لغت چینی به زبان‌های مختلف و بالعکس تألیف شد که یکی از آنان «لغتنامه مدرسه هوی هوی بود».<sup>۱۶</sup> با توجه به این که زبان چینی حروف و الفبای مشخصی ندارد. این فرهنگها به صورت موضوعی و تحت مدخل‌هایی همچون نجوم، جغرافیا، داروهای گیاهی، کشاورزی و... تألیف و تحت هر موضوع لغتهای مربوط به آن آورده می‌شد.<sup>۱۷</sup> در این فرهنگها کلمات خارجی به صورت آوانویسی شده به زبان چینی با ذکر معانی چینی آنها نوشته شده و مورد استفاده مترجمان قرار می‌گرفت.

آقای جیانگ زنگ مجموعه‌دار کتاب‌های دوران سلسله چینگ درخصوص کتاب «لغتنامه مدرسه هوی هوی» می‌گوید: این لغتنامه به بخشهای مختلفی تقسیم شده و در بالا کلمات فارسی با حروف فارسی، در وسط معانی چینی کلمات و در پایین کلمات فارسی با آوانویسی چینی نگاشته شده است.<sup>۱۸</sup>

براساس پژوهشهای انجام گرفته توسط یکی از محققین ژاپنی بنام آقای بان تیان شی شین، هم اکنون شش نسخه از «لغتنامه مدرسه هوی هوی» در کتابخانه‌های آلمان، ژاپن، فرانسه، انگلستان و کتابخانه دانشگاه پکن موجود است که هر کدام دارای امتیازات و نواقصی است که از مجموع آنان می‌توان متن اصلی این لغتنامه را به دست آورد.<sup>۱۹</sup> محقق ژاپنی دیگری به نام تیان بان شینگ دائو، در این زمینه تحقیقات مفصلی به عمل آورده و ظرف هشت سال از دهه ۱۹۴۰ تا ۱۹۵۰ چهار رساله علمی و پژوهشی پیرامون «لغتنامه

۱۵. بوجان، تاریخ مختصر چین، ص ۲۳.

۱۶. لیوانگ شنگ، پژوهشی پیرامون لغتنامه مدرسه هوی هوی و فرهنگ مدرسه هوی هوی، مجله پژوهش‌های تاریخ دودمان یوان و تاریخ ملی، شماره ۱۵ سال ۲۰۰۲.

۱۷. همان.

۱۸. همان.

۱۹. همان.

مدرسه هوی هوی» منتشر ساخت که اطلاعات ارزشمندی از دوران فعالیت مدرسه آموزش زبان فارسی و لغتنامه مذکور در اختیار علاقمندان قرار می‌دهد.

شخص پروفیسور لیو نیز پژوهش مفصلی در دو زمینه «لغتنامه مدرسه هوی هوی» و «فرهنگ مدرسه هوی هوی» انجام داده که نتایج آن در مقاله‌ای تحت عنوان «پژوهشی پیرامون - لغتنامه مدرسه هوی هوی - و - فرهنگ مدرسه هوی هوی - در مجله پژوهش‌های تاریخ دودمان یوان و تاریخ ملی به شماره ۱۵ سال ۲۰۰۲ منتشر شده است.<sup>۲۰</sup>

پروفیسور لیو می‌نویسد: «باتوجه به این که نسخه‌ها و مدارک مربوط به مدرسه هوی هوی در کتابخانه‌های کشورهای مختلف جهان نگهداری می‌شود، از سوی محققین و مراکز پژوهشی انگلیس، آلمان، ژاپن، فرانسه و چین پژوهش‌های مختلفی در این زمینه در حال انجام شدن است که برای تبادل اطلاعات و نتایج پژوهش‌های به عمل آمده و نتیجه‌گیری بهتر، بین محققین این کشورها همکاری و هماهنگی‌های خوبی در حال انجام شدن است. و خود من چندین بار بنا به دعوت دانشکده آسیا و آفریقا و دانشکده باستان‌شناسی لندن در سال ۱۹۹۳ به این کشور مسافرت نموده و دوبار نیز در سال‌های ۱۹۹۹ و ۲۰۰۱ به دعوت بنیاد هامبورگ به آلمان سفر کرده‌ام.»<sup>۲۱</sup>

هم اکنون نیز موسسه پژوهشی مستقلی در دانشگاه نانجینگ به ریاست پروفیسور لیواینگ شنگ، برای تحقیق و پژوهش پیرامون «لغتنامه مدرسه هوی هوی»، «نامه‌ها و مکتوبات مدرسه هوی هوی» و «خط نوشتاری شیائوارجینگ»، که ترکیبی از واژه‌های فارسی، عربی و چینی است و اغلب نسخه‌های برجای مانده از آن دوران به این سبک و سیاق نوشته شده است، ایجاد شده و به فعالیت پژوهشی خود ادامه می‌دهد.<sup>۲۲</sup>

توسعه فراگیری زبان فارسی و سپس ترکیب آن با زبان چینی، موجب شد که در طول چندین قرن تعامل و درهم آمیختن این زبان‌ها با یکدیگر، کلمات و واژه‌های ترکیبی جدیدی از فارسی، عربی و چینی متولد شود. افزایش تعداد مسلمانان در سرتاسر سرزمین پهناور چین، و به دنبال آن پیدایش فرهنگ و ادبیات و زبان خاص مسلمانان چینی، به ویژه

۲۰. برگردان کامل این مقاله به فارسی در مجله - رویدادهای فرهنگی چین - شماره‌های رایزنی فرهنگی ایران در چین چاپ شده است.

۲۱. لیو اینگ شنگ، پژوهشی پیرامون - لغتنامه مدرسه هوی هوی - و - فرهنگ مدرسه هوی هوی، مجله پژوهش‌های تاریخ دودمان یوان و تاریخ ملی، شماره ۱۵ سال ۲۰۰۲.

۲۲. Institute Of Ethnic Minorities and Chinese Bordering Areas Studies- Nanjing University

پس از روی کارآمدن سلسله مینگ، و آغاز سخت گیری آنان نسبت به مسلمانان و خاندان‌های اصیل ایرانی مقیم چین، و قطع ارتباط آنان با سرزمین‌های فارس زبان، و از همه مهمتر تغییر اجباری زبان گفتاری و آموزشی مسلمانان از فارسی به چینی، همگی زمینه را برای پیدایش زبان‌های جدید محلی به نام‌های «جینگ تانگ» و «شیائوارجینگ» فراهم ساخت که این زبان‌ها تا چندین قرن به حیات خود ادامه داده و آثار متعددی علی‌الخصوص در زمینه‌های دینی و مذهبی به وجود آید که هم اکنون به عنوان میراث پرافتخار فرهنگ اسلامی و مسلمانان چین از آنها یاد می‌شود.

## زبان‌های «جینگ تانگ» و «شیائوارجینگ»

### زبان‌های خاص مسلمانان چین

زبان جینگ تانگ، زبان محلی خاص با حروف و الفبای فارسی است که در میان مسلمانان چین صدها سال رایج بوده و با دیگر زبان‌های موجود در این کشور فرق زیادی دارد. مصادر کلمات و واژه‌های این زبان را، واژه‌های فارسی، عربی و چینی تشکیل داده و یا ترکیبی از آنهاست. ترکیبهای مختلف فارسی - عربی، عربی - چینی و فارسی - چینی. از آنجاکه از ابتدا واژه‌ها و کلمات دینی مورد استفاده مسلمانان در چین اکثراً فارسی و عربی بوده است، غالب لغات و واژه‌های زبان جینگ تانگ را لغات و کلمات فارسی تشکیل داده و یا معنا و مفهوم کلمات فارسی و عربی در قالب لغات چینی بیان شده است. کلماتی همچون (نماز، روزه، بامداد، دشمن، پیشین، خفتن و...) کلمات خاص فارسی، و لغاتی چون (ایمان، حج، زکات، خلیفه، امام و...) کلمات خاص عربی، و واژه‌هایی مثل (وانگرن به معنی مرگ، جیوی کونگ به معنای رکوع، وانگ شیانگ به معنی امیدواری و...) کلمات خاص چینی هستند که در زبان جینگ تانگ از آن استفاده می‌شود. همچنین کلمات ترکیبی مثل «بی‌نصیب»، «ربا شی بوده» به معنای ربا حرام است، «بیمار لیاوو» به معنی مریض شدم، نمونه‌ای از کلمات ترکیبی فارسی، عربی و چینی است که در این زبان‌ها از آنها استفاده می‌شود.<sup>۲۳</sup> برخی از کلمات مورد استفاده در این زبان هم واژه‌های خاص آیین بودایی است که جهت بازگویی و انتقال مفاهیم اسلامی به عاریت گرفته شده‌اند. برخی از کلمات و واژه‌ها نیز ترکیبی از مفردات عربی - چینی و یا فارسی - چینی است که بار

۲۳. ابراهیم فنگ جین یوان، الاسلام فی الصين، صص ۲۰۱ تا ۲۰۴.

معنایی خاصی دارد که با معانی اصلی آن مفردات فرق دارد. گاهی در یک جمله مبتدا کلمه‌ای فارسی و عربی است در حالیکه خبر کلمه‌ای چینی است، و یا بالعکس. در پاره‌ای از موارد فاعل کلمه‌ای فارسی و یا عربی است و فعل از واژه‌ای چینی تشکیل شده است، و یا بالعکس. همچنین در بعضی از موارد مسند جمله کلمه‌ای فارسی یا عربی است و مسندالیه چینی است و یا بالعکس.

با همه این آشفتگی‌ها و تلفیق‌ها و ترکیبهای نامتجانس، این زبان صدها سال بین مسلمانان مناطق مختلف متداول بوده و بخشی از هویت تاریخی، دینی و فرهنگی آنان را شکل می‌دهد. علی‌رغم این که تعداد کلمات و واژه‌ها و اصطلاحات این زبان محدود است، ولی یک واقعیت انکارناپذیر است که صدها سال حتی تا نیمه دوم قرن بیستم، بین مسلمانان رواج داشته است. برخی از تعابیر و اصطلاحات شایع در این زبان، در ادبیات و فرهنگ مکتوب و شفاهی مسلمانان جنبه حیاتی پیدا کرده و اثر تاریخی مهمی در اسلام خاص چین و ادبیات نژاد هوی برجای گذاشته که در حال حاضر هم از آنان استفاده می‌شود.<sup>۲۴</sup>

### زبان نوشتاری «شیائو ارچینگ»

زبان نوشتاری شیائوارچینگ (به معنی آسان‌کننده فهم کتب دینی که به فارسی و عربی است)، بخشی از تاریخ مکتوب مسلمانان و تاریخ اسلام در چین را تشکیل می‌دهد. مسلمانان چین از این زبان برای فهم آسان محتوای کتب دینی استفاده می‌کردند. در مناطقی از چین همچون استان‌های گانسو، نینگ‌شیا، چینگ‌های و ... مدرسین علوم دینی و مولفین آثار اسلامی برای آسان ساختن فهم مطالب و عبارتهایی که آموختن آنها از زبان‌های فارسی و عربی مشکل بود، شرح و تفسیری به زبان چینی با استفاده از حروف و الفبای فارسی و عربی می‌نوشتند که این نوع نوشته‌ها را شیائوارچینگ (نوشته‌های آسان‌کننده و خودآموز) و یا (نت برداری و یادداشت) می‌گفتند، و در واقع از این نوشته‌ها برای کمک در امر آموزش و یادگیری استفاده می‌شد. در حقیقت می‌توان گفت: زبان شیائوارچینگ زبانی است که کلمات چینی با حروف فارسی و مخلوطی از کلمات فارسی و عربی است که



در بین آنها از کلمات چینی هم استفاده می‌شد.<sup>۲۵</sup>

درخصوص تاریخ و نحوه به وجود آمدن این زبان، پژوهشگران دو احتمال را ذکر کرده‌اند:

الف - احتمال داده می‌شود که این زبان نوشتاری همزمان با ورود مسلمانان به چین در دوران حاکمیت سلسله‌های تانگ و سونگ (۱۲۷۱ - ۹۰۷ میلادی) برای توضیح کلمات چینی با الفبای فارسی و عربی ایجاد شده باشد. البته برای اثبات این ادعا سند و مدرک قابل قبولی وجود ندارد.

ب - احتمال دوم اینکه این زبان همزمان با آغاز دوره آموزش‌های مسجدی به وجود آمده است. معلمین و مدرسین آموزش مسجدی برای تشریح و تفسیر متون درسی و آسان شدن فهم و حفظ آن، از کلمات و الفاظ چینی که با الفبای فارسی نوشته می‌شد، استفاده می‌کردند. دلیل صحت این ادعا و نظریه، وجود یادداشتهای، کتاب‌ها و جزوات کمک آموزشی فراوانی است که توسط علما و مدرسین علوم دینی در دوران سلسله‌های مینگ و چینگ (۱۹۱۱-۱۳۶۸) نوشته شده و هم اکنون قابل دسترسی است. فراوانی آثار مکتوب تاریخی موجود، می‌تواند دلیل محکمی بر صحت این نظریه باشد. از قدیمی‌ترین اسناد مکتوب به زبان شیائوارچینگ می‌توان به سنگ نوشته موجود در مسجد جامع شهر شی آن اشاره کرد که در تاریخ ۷۴۰ هجری قمری (۱۳۴۰-۱۳۳۹ میلادی) نوشته شده و در آن شرح مفصلی از اسامی افراد خیری که در ترمیم و بازسازی مسجد مشارکت نموده‌اند بیان و در آن تاریخ بازسازی و اطلاعات مفید دیگری ارائه شده است. گفته می‌شود که مسلمانان از اواسط قرن چهاردهم میلادی در مکتوبات خود استفاده از این خط و نگارش را آغاز کردند.<sup>۲۶</sup>

### موارد مورد استفاده از زبان نوشتاری شیائوارچینگ

۱. از ابتدای ورود اسلام به چین اغلب کتاب‌های اسلامی و آموزشی دینی، به فارسی نوشته می‌شد، و بخش اعظمی از کتاب‌های درسی مدارس مسجدی را هم کتاب‌های نوشته شده به زبان فارسی تشکیل می‌داد. کتاب‌هایی همچون (عوامل فی النحو)، (ضوء المصباح)،

۲۵. همان.

۲۶. همان.

(عوامل زنجانی)، (شرح الکافیة)، (تلخیص المفتاح)، (عقاید الاسلام)، (شرح الوقایه)، (الخطب)، (المرصاد)، (الاربعون)، (اشعه اللمعات)، (گلستان)، (بوستان) و (منهاج الطلب) که یکی از کتاب‌های درسی آموزش زبان فارسی است و اولین کتاب آموزش زبان فارسی برای غیرفارسی زبانان محسوب می‌شود. نمونه‌هایی از کتاب‌های درسی اخلاقی و اعتقادی مسلمانان چین به شمار می‌آیند که همگی به زبان فارسی بوده و بیشترین حجم کتاب‌های درسی مدارس مسجدی را به خود اختصاص می‌دادند. حتی برخی کتاب‌های آموزشی هم که به زبان عربی نوشته شده بود، معمولاً نویسندگان ایرانی بوده و فرهنگ ایرانی در آنها به وضوح مشاهده می‌شد.<sup>۲۷</sup> معمولاً در این کتاب‌ها از واژه‌ها و اصطلاحات عربی و آیات قرآنی و احادیث زیاد استفاده می‌شد که مدرسین عبارات عربی درج می‌کردند. علاوه بر توضیحات مورد اشاره، مطالب دیگری هم به همراه جداول کلمات عربی و فارسی در توضیح بیشتر آن مطالب می‌نگاشتند. آقای فنک چنگ لیه یکی از دانشمندان اسلامی در این زمینه گفته: در گذشته‌های خیلی دور کتاب‌های ملاجمی، البیان، الوقایه و برخی دیگر از کتب عربی و فارسی به زبان شیائوارجینگ ترجمه و چاپ شده بود. همه این مطالب بیانگر این واقعیت است که شیائوارجینگ وسیله‌ای برای تدریس آسان کتب فارسی و عربی برای طلاب و دانشجویان علوم اسلامی مدارس مسجدی بوده است. این افراد با این که به زبان چینی تکلم می‌کردند، نوشتن و خواندن خط چینی برایشان سخت بود، به همین دلیل برای شرح و تفسیر عبارات و لغات مشکل از نوشتار شیائوارجینگ استفاده می‌کردند.

۲. سنگ نوشته‌های زیادی از مساجد، قبرستان‌ها و بناهای اسلامی برجای مانده است که در آنها یادداشتهایی به زبان فارسی و عربی و کلماتی به خط شیائوارجینگ دیده می‌شود. اخیراً یک کتاب بسیار قدیمی در شهر شی آن به دست آمده که توسط یکی از روحانیون دوران حکمرانی امپراتور شون چی (۱۶۶۰-۱۶۴۴) نوشته شده و در آن از کلمات شیائوارجینگ استفاده شده است. همچنین کتابی تحت عنوان «سؤال و جوابهایی پیرامون احکام اسلام» در سال ۱۹۳۵ در شانگهای به زبان چینی منتشر شده که شرح مبسوطی به زبان شیائوارجینگ دارد. کتاب دیگری با عنوان «پرسش و پاسخهایی پیرامون اعتقادات» در سال ۱۹۵۴ به زبان عربی چاپ شده که ترجمه آن به زبان شیائوارجینگ است. این نوع نوشته‌ها و کتاب‌ها از گذشته‌های دور در استانهای چینگ‌های، نینگ‌شیا، گنسو و های‌نان

۲۷. ابراهیم فنک جین یوان، الاسلام فی الصين، صص ۱۹۸ تا ۲۰۱.

شایع و متداول بوده و حتی هم اکنون نیز در برخی مناطق دور افتاده توسط روحانیون مسن تدریس می‌شوند.

۳. در قرون گذشته زبان شیائوارجینگ در محاورات اجتماعی قوم هوی بصورت وسیعی مورد استفاده بوده و از آن به عنوان وسیله‌ای برای بیان مفاهیم دینی و تدریس به زبان چینی و تألیف و تدوین کتب مذهبی و اسناد و نامه‌ها استفاده می‌شد. در جلسه سیزدهم کتاب «نهضت‌های قوم هوی» که زیر نظر پروفیسور بای شویی نوشته شده، تصاویر متعددی از اسناد تاریخی نوشته شده به زبان شیائوارجینگ نیز مشاهده می‌گردد.<sup>۲۸</sup>

### شیائوارجینگ قدیم و شیائوارجینگ معاصر

الف - در شیائوارجینگ اصلی، از کلمات فارسی و عربی بسیار همراه با کلمات چینی نوشته شده با الفبای فارسی استفاده شده و یا ترکیبی از واژه‌های این سه زبان است که با کاربردهای خاصی همراه است، و تعداد زیادی نیز کلمات ابداعی بدون هیچگونه قاعده و قانون در آن به کار رفته است. این نوع از زبان شیائوارجینگ، با اسلوبهای لغوی خاص شایع در مدارس مسجدی تمیز داده می‌شود که دارای الفاظی دشوار و غیرقابل ترجمه است.

ب - در شیائوارجینگ معاصر، بیشتر از لغات چینی استفاده شده که با حروف فارسی نوشته شده و کلمات و واژه‌های فارسی و عربی در آن به ندرت به کار رفته است. در این نوع از شیائوارجینگ، کلمات سخت و غیرقابل فهم خیلی کمتر استفاده شده و معانی واژه‌ها دقیق و بیان و یادگیری آنان سهل تر است.

البته اختلاف لهجه مسلمانان مناطق مختلف و نبود قاعده و قانون واحد در نوشتن و استفاده از حروف و الفبای مشخص برای کلمات چینی، اعمال سلیقه فردی در کتابت و ثبت کلمات، و ناتوانی الفبای عربی و فارسی برای ضبط و نشان دادن واژه‌ها و اصوات چهارگانه تلفظ کلمات چینی که با هر تغییر صوت، معانی آنان نیز تغییر می‌یابد، و پاره دیگری از مسایل، موجب شده که این زبان نوشتاری فاقد رسم الخط و شیوه نگارشی واحد شده و از خلاقیت و پویایی و توانایی لازم برای حل مشکلات و بیان و کتابت دقیق واژه‌ها عاجز و در بین زبان‌های رسمی پیرامونی خود از جایگاه ارزشی کمتری برخوردار شود. ولی با همه

این نواقص، این زبان بخشی از تاریخ و میراث مکتوب و هویت زبانی قوم هوی و مسلمانان چین را تشکیل می‌دهد که اساس آن را بیشتر حروف و الفبا و واژه‌های فارسی تشکیل می‌دهد.<sup>۲۹</sup>

باعنایت به اهمیت این زبان در شناخت هرچه بیشتر تاریخ اسلام و مسلمانان چین، و نقش و جایگاه زبان، کلمات و حروف الفبای فارسی در تکوین و توسعه زبان شیائوارجینگ، جا دارد که محققین و پژوهشگران و زبان شناسان ایرانی با همکاری محققین (به ویژه پژوهشگران مسلمان) چینی، مشترکا در این زمینه به تحقیق و پژوهش پردازند تا ضمن دستیابی به شناخت بیشتر این زبان وابسته به زبان فارسی کمتر شناخته شده در ایران، هویت تاریخی و ادبی و فرهنگی خاص مسلمانان چینی را نیز احیاء نمایند. بهترین شخصی که می‌تواند در این زمینه با محققین ایرانی همکاری کند، پروفیسور لیو اینگ شنگ و بهترین موسسه، همان موسسه مطالعات اقلیتهای قومی و مناطق مرزی دانشگاه نانجینگ است که آمادگی لازم را برای هر نوع همکاری چه از نظر نیروی انسانی و چه از لحاظ اسناد و مدارک، دارند.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی